

کتابخانه‌های نجف (فصلی از کتاب تاریخ نجف مدرس گیلانی)

به کوشش: رسول جعفریان

شرح حال مرتضی مدرس گیلانی

فرزند شیخ شعبان گیلانی (م ۱۳۴۸ق) که در نجف می‌زیست و فرزندش مرتضی هم همانجا در سه شنبه ۷ ربیع الاول ۱۳۳۵ به دنیا آمد. پدرش که از فقهای برجسته نجف بود، از شاگردان میرزا حبیب الله رشتی، فاضل ایروانی، و شیخ عبدالله مازندرانی به شمار می‌آمد، و خود شاگردان زیادی را تربیت کرد. (نویسنده شرح حال پدرش را در تاریخ نجف: ۲/ ۱۶۵ - ۱۷۱ آورده است)

وی شرح حالی از خودش در کتاب معجم الحکماء نوشته است. در آن جا می‌نویسد: من در نجف، شهر علم، در محله حویش در «عقد ابی الطیب» در خانه شماره ۴۹/۵۴ به دنیا آمدم. سپس شعری عربی از علی بن حسن هاشمی خطیب نجف در باره تاریخ میلادش آورده و آنگاه اساتید خود را به تفصیل یاد کرده است. سپس ۲۱ کتاب تألیفی و ۹ اثر تصحیحی را برشمرده است. آنگاه می‌گوید که معلم مدارس متوسطه بوده و در طول بیش از دوهزار شاگرد داشته است، چنان که هزار شاگرد غیر مدرسه‌ای نیز داشته است. (تلخیصی از کتاب معجم الحکماء با انتخاب آقای منوچهر صدوقی سه‌شامل ۳۰۵ شرح حال به عنوان «منتخب معجم الحکماء» به سال ۱۳۸۴ در تهران منتشر شده و شرح حال مزبور در ص ۱۹۵ آن آمده است).

وی ایضا، شرح حال خود را در مجلد دوم تاریخ نجف چنین آورده است: مرتضی بن شعبان گیلانی - میلاد ۱۲۹۵ ش. نگارنده مؤلف این تاریخ، میلاد در نجف به سال مذکور در محله حویش کوچه علی آقا خانه شماره ۴۹/۵۴ در ردایت و روایت در علوم عقلی و نقلی از بسیاری استفاده کرده، از آن جمله: ۱. شیخ علی مرندی، ۲. شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، ۳. سید حسن خراسانی، ۴. سید محمد جواد تبریزی، ۵. سید احمد بن رضی الدین موسوی تبریزی، ۶. شیخ صدرالدین بادکوبی، ۷. شیخ نعمت الله دامغانی، ۸. میرزا

حبيب الله ذوالفنون منجم، ۹. میرزا علی سمنانی طبیب، ۱۰. میرزا علی یزدی ناسوتی حکیم، ۱۱. شیخ قاسم محیی الدین، ۱۲. شیخ مرتضی طالقانی، ۱۳. شیخ شمس الدین علی نقی بادکوبی، ۱۴. شیخ محمد قاضی سماوی، ۱۵. شیخ موسی دعیبیل نجفی، ۱۶. سید هاشم آل عطیه نجفی، ۱۷. سید حسن ایروانی، ۱۸. شیخ ابراهیم مدرس گرجی، ۱۹. شیخ عبدالحسین رشتی، ۲۰. شیخ علی قمی، ۲۱. مهندس عبدالرزاق اصفهانی، ۲۲. شیخ عبدالله سنندجی، ۲۳. شیخ اسدالله زنجانی، ۲۴. سید علی قاضی طباطبائی، ۲۵. شیخ آغابزرگ تهرانی مؤلف الذریعه، ۲۶. سید ابوالقاسم اصفهانی، ۲۷. شیخ ابوالفضائل زنجانی، ۲۸. شیخ محمد فاضل قاینی، ۲۹. شیخ محمد ادیب تهرانی، ۳۰. شیخ خلیل اراکی، ۳۱. میرزا ذبیح الله بهروز، ۳۲. سید جمال الدین گلپایگانی و بسیاری دیگر. دارای اجازاتی بین اجتهاد و روایت که برخی از آنها در اتنای این کتاب [تاریخ نجف] نقل شد. شغل دبیری با پایه هشت دبیری. حدود دو هزار دانش آموز نزد من درس خوانده‌اند طبق دفترهای حضور و غیاب که نزد نگارنده موجود است. غیر از کسانی که متفرقه نزد من درس خوانده‌اند. تقویم پنجاه سال بر افق تهران استخراج کرده که حدود ده دوازده سال آنها چاپ شده. فعلا ساکن تهران است».

وی سپس آثار خویش را برشمرد که شمار آن ۱۰۰ عدد است. در ادامه، دو سروده خود، یکی عربی و دیگری فارسی را آورده است (تاریخ نجف، خطی، مجلد دوم، صص ۳۰۰ - ۳۰۳).

مرحوم استاد شیخ محمد هادی امینی در باره وی نوشته است: مرتضی بن شیخ شعبان بن مهدی بن عبدالوهاب، نویسنده، ادیب، محقق پرکار که دایما در پژوهش و تألیف بود و در ریاضیات متخصص بود. زبانش تند بود و متهم در عقیده. بیشتر منزوی و اهل عزلت بود. در ایرانی‌گری و زبان فارسی تعصب داشت. نزد شیخ علی مرندی و شیخ محمد کاظم شیرازی و شیخ نعمت الله دامغانی و شیخ صدالدین بادکوبی و سید ابوالقاسم خوانساری و سید هاشم آل عطیه نجفی تحصیل کرد. سال ۱۳۷۷ ق [درست آن ۱۳۷۵ ق] در پی بیرون کردن ایرانیان از عراق، به ایران آمد. در نجف در مدرسه خلیلی بزرگ واقع در مدخل عقد السلام در سمت بازار عماره سکونت داشت. در سال ۱۳۸۲ ق معلم مدارس دولتی شد. هیچ گاه ازدواج نکرد. امینی، سپس برخی از آثار او را نام برده و مصادر شرح حال وی را در ذریعه و معارف الرجال و مصادر الدراسه و مصفی المقال و نقباء نشان داده است. (بنگرید: معجم رجال الفکر و الادب فی النجف، ۱۹۹۲ م، ۱۱۱۶/۳). (و بنگرید: نقباء البشر، تهران، ۱۳۸۸ ش، ۳۴۵/۵). شیخ عبدالحسین فقیهی رشتی نیز که سالها نماینده مراجع در مدینه منوره بود و ایام حج رفت و آمد داشت، برادر همین مرتضی مدرس گیلانی است. (شرح حال وی را بنگرید در: گنجینه دانشمندان: ۲/ ۲۲۲ - ۲۲۳)

مدرس گیلانی مطالعات و تحصیلاتی هم در ریاضی و نجوم و هیأت و به خصوص فلسفه داشت. به دلیل آراء ویژه‌ای که اواخر اقامتش در نجف داشت، در نجف مورد بی‌اعتنایی قرار گرفت و به سال ۱۳۷۵ ق برای همیشه به ایران آمد و در تهران ساکن گردید. وی مدتها در مدرسه مروی تدریس می‌کرد اما گویا به دلایلی از آنجا نیز بیرون رفت.

اشاراتی دیگر از زندگی علمی وی

در تاریخ نجف که ما تنها بخش کتابخانه‌ها و مجلات آن را در این مقاله آورده‌ایم، به جز جایی که مستقلاً شرح حال خود را آورده، اشاراتی به تحصیلات و زندگی خود در نجف دارد. در اینجا تنها به اشاراتی که در دو مطلب انتخاب شده آمده، خواهیم پرداخت.

ارتباط وی با مرحوم سماوی مطلبی است که در چند مورد از آن یاد کرده است. از آن جمله آن که به خواهش وی، بخشی از نسخه عربی *التفهیم بیرونی* را که ناقص بوده، از روی نسخه فارسی، برای او ترجمه کرده است. وی از برخی از عالمان نجف یاد کرده و گوید که در منزل مرحوم سماوی خدمت آنان رسیده است.

مدرس ذیل شرحی کوتاه از کتابخانه مرحوم عبدالرزاق مقرّم، از دیدارهای مکرر خود با او یاد کرده است.

در جای دیگری مدرس گیلانی از اقامت خود در مدرسه مدرسه بزرگ خلیلی بزرگ یاد کرده و نویسد: «نگارنده چندین سال در این مدرسه ساکن بودم. بلکه مدتی نیز نظارت به امور داخلی آن داشتم». مدتی نیز در مدرسه قوام شیرازی بوده و می‌نویسد که در آن مدت از کتابخانه آن مدرسه استفاده می‌کرده است.

گیلانی در جایی از این کتاب حتی محل تولد خود را نیز که نجف در محله حویش یاد کرده و با ذکر پلاک خانه گوید: «نگارنده در آن زاییده شدم» گیلانی، از کتابخانه پدر خود یاد کرده و نویسد: کتابخانه گیلانی: منسوب به مفتی شیخ شعبان گیلانی، گذشته به سال ۱۳۴۸ هجری والد نگارنده. این کتابخانه پس از مرگش، بسیاری از آن فروخته شد و دیون وی پرداخته شد. مقدار معتناهی نیز به امانت نزد برخی سپرده شد. بیشتر کتب این کتابخانه، کتب فقه و اصول و تفسیر بود. از جمله کتاب *نهج البلاغه* خطی بود که مجلسی دوم آن را تصحیح و مقابله کرده بود. نگارنده که فعلاً در تهران ساکن هستم. چیزی از آن کتب ندارم».

مدرس از کتابخانه خود در نجف و انتقال آن به تهران نیز سخن گفته می‌نویسد: «کتابخانه مدرس گیلانی: منسوب به نگارنده این کتاب، مرتضی گیلانی مشهور به مدرس. قریب هزار مجلد است. در سال ۱۳۷۵ هجری که به تهران مهاجرت کردم، بعداً آن را به تهران انتقال دادم و در منزل شخصی من است. دو سه سال، پیش آقای حسن ره آورد که راجع به کتابخانه‌ها چیزی می‌نگاشت آمد و از کتابهای فارسی تنها صورتی برداشت».

در جای دیگری از کتابخانه برادرش یاد کرده است: «کتابخانه فقیهی - منسوب به خطیب میرزا ابوالحسن فقیهی گیلانی اخوی نگارنده، گذشته به سال ۱۳۸۸ هجری که در سال ۱۳۵۱ هجری آن را با خود به ایران انتقال داد و اکنون در تصرف فرزندان وی است و بیشتر کتب وی اخبار و تواریخ و تفسیر است».

همچنین ذیل کتابخانه صالح الجعفری اشاره به حضور خود در درس مرحوم سید حسن بجنوردی دارد.

وی ضمن اشاره به رفت و آمد خود به برخی از کتابخانه‌ها، از جمله به مراجعه مکرر خود به کتابخانه منتدی النشر یاد کرده است.

وی از کتابخانه آل حبوش یاد کرده و این که «نگارنده برخی از آثار مطبوع خود را به آن اهداء کردم». در جای دیگری از شرکت خود در برخی از جلسات ادبی نجف یاد کرده از جمله محفل ادیب شیخ قاسم محیی الدین که از ادبا و شعرای معاصر بوده و می‌نویسد: «نگارنده نیز مدتی شب‌ها به آنجا می‌رفتم. مطارحات ادبی بسیار می‌شد. مدتی نزد وی عروض و قافیه می‌خواندم».

برخی از دستنویسهای مدرس گیلانی در کتابخانه مجلس

شماری از آثار مدرس گیلانی به خط خود وی در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. (این آثار توسط حمیده گیلانی در ۱۴ بهمن ۱۳۸۱ به کتابخانه فروخته شده و تعداد آنها ۲۳ عنوان بوده است) از آن جمله این آثار است:

معجم الشعراء شامل برگزیده‌ای از اشعار ۳۲۳ شاعر فارسی گوی از شعرای سده سوم هجری تا امروز سده چهاردهم در ۷۰۶ صفحه. (ش ۱۶۶۳۵).

معجم الشعراء حاوی اشعار عربی مجلد اول از ۵۲۴ شاعر از شعرای جاهلیت تا عصر حاضر یعنی سال ۱۹۷۴ میلادی. (ش ۱۶۶۳۳). مجلد دوم به شماره ۱۶۶۳۴ در ۴۶۸ صفحه.

شرح اصطلاحات حل المسائل در نجوم از آقای عبدالله نوبخت منجم باشی، با مقدمه و اضافاتی از مرتضی مدرس گیلانی (به شماره ۱۶۶۳۱) در ۱۱۸ صفحه
تاریخ اخباری اصولی در ۱۳۰ صفحه (به شماره ۱۶۷۴۷).

سالنامه ۱۳۴۱ در پیش آمدهای تاریخی، سیاسی، علمی، ادبی، انتقادی در ۲۲۶ صفحه (به شماره ۱۶۶۴۶).

الفیه و شلفیه یا راز عشاق در بیان نیروی تحریک باه برای فروماندگان از آن روی صفحه اول این دو بیت آمده است:

ابر آمد و باز بر سر بنده گریست / بی باده و معشوقه نمی شاید زیست / امروز که این سبزه تماشاگه ماست / تا سبزه خاک ما تماشاگه کیست؟ (به شماره ۱۶۶۵۰) در ۱۵۱ صفحه. (فهرست تألیفات مدرس گیلانی در پایان این نسخه در ۱۴۱ عنوان آمده است).

معجم الحکماء ترجمه ۱۲۰ فیلسوف عالم (همان کتاب که آقای صدوقی سهها خلاصه آن را در سال ۱۳۸۴ نشر کرده است) در ۳۹۳ صفحه به شماره ۱۶۶۵۱).

کفایة الاسلام در فقه شافعی (ناظم: سید نورالدین شاه نعمت الله بن عبدالله علوی هروی کرمانی مولود به سال ۷۳۱ هجری و متوفای ۸۳۴، شارح: مدرس گیلانی) (به شماره ۱۶۶۵۲)

الرقاع و المقالات فی مواضع شتی علمیه، فلسفیه، ادبیه، دینی، در ۲۵۸ صفحه (شماره ۱۶۶۴۵). این کتاب اطلاعات ارزشمندی در باره نجف دارد.

تسلیة الاخوان علاء الدین عظامک جوینی به تضحیح و توضیح مدرس گیلانی، (به شماره ۱۶۶۴۲) در پنجاه صفحه.

زندگینامه اثیرالدین ابهری (م ۶۶۳) در ۹۸ صفحه.

کتاب التهذیب علی شرح منطق التهذیب از عبیدالله بن فضل الله شافعی کرمانی (م ۸۶۰ در هرات) صححه و رتبه و اضاف الیه کثیرا من الاشکالات المنطقية مع مقدمة مرتضى الكيلانی المدرس).

منثوی حکمت الاسرار از سروده های خودش به شماره ۱۶۶۴۰ در ۳۸۳ صفحه با این مطلع:

هر که آن از وصف و حد بیرون بود وصف و حدش جمله ناموزون بود

معارف قرآن در زندگی پیامبران و توضیح آثار و ادیان و شرح بلدان از قرآن و تفسیر آن (به شماره ۱۶۶۴۱) در ۱۲۵ صفحه.

شرح عقاید بهائیه، استنساخ وی در کتابخانه مجلس به شماره ۱۵۷۸۱ ثبت شده است. همچنین حاشیه بر اقلیدس را نیز در سال ۱۳۸۵ ق استنساخ کرده که به شماره ۱۵۷۹۰ ثبت شده است.

چند کتاب هم از پدرش شیخ شعبان و یک اثر از برادرش شیخ عبدالحسین جزو این مجموعه است:

تقریرات الاصول (المجلد الاول فی الاصول اللفظية و المجلد الثاني فی الاصول العلمیه) از آثار شیخ شعبان بن المهدي بن عبدالوهاب گیلانی نجفی متولد ۱۲۷۵ و متوفای ۱۳۴۸ (شماره ۱۶۶۴۸) و مجلد دوم (به شماره ۱۶۶۴۹).

منهج المسترشدين الی احکام الدین در ۱۶۰ (عکس شیخ شعبان در این نسخ گذارده شده است). (به شماره ۱۶۶۵۳).

المجلد الاول من الاستصحاب مع مقدمة نجله مرتضى الكيلانی المدرس در صفحه ۲۹۸ (به شماره ۱۶۶۳۸). المجلد الثاني به شماره ۱۶۶۳۹ در ۲۴۸ صفحه.

دو کتاب «کتاب البیع و التجارة» و کتاب «حجیة القطع» از شیخ شعبان با مقدمه مرتضی گیلانی نیز چاپ شده و در پشت آنها فهرست بلندبالایی از آثار شیخ شعبان که تقریبا همگی فقهی است، درج شده است.

حاشیة الکفایه از برادرش شیخ عبدالحسین فقیهی گیلانی متولد دوم شعبان ۱۳۲۱ در نجف و متوفای ۱۸ ربیع الثانی در سال ۱۴۱۰ در قم. در ۱۸۵ صفحه (به شماره ۱۶۶۳۷). در انتهای این کتاب، شرح حال چند

صفحه‌ای در باره شیخ عبدالحسین نیز درج شده که بسیار مغتنم است. در جای دیگر اشاره کردیم که وی نماینده آیت الله بروجردی در حرمین شریفین و در ایام حج برای پاسخگویی به مسائل فقهی بود.

مرتضی مدرس گیلانی در سن ۸۵ سالگی در روز یکشنبه ۲۵ ربیع الثانی سال ۱۴۲۰ مطابق ۱۷ مرداد ۱۳۷۸ درگذشت (اختران فضیلت، ناصرالدین انصاری، قم، ۱۳۸۸ ص ۷۳۹) در این منبع از ۱۵۵ اثر مؤلف یاد

شده که بیستمین عنوان آن، کتاب تاریخ نجف یا دانشگاه اسلامی است.

در آثار یاد شده، آثار تاریخی جالبی وجود دارد که لزوما باید انتشار یابد. سفرنامه او به ایران از سال ۱۳۶۵ ق که طی آن در محضر برخی از اساتید تهران نیز تلمذ کرده از آن جمله است. عناوین برخی دیگر هم

جالب است: تقویم خمسين عاما، تاریخ محکومان زمان مشروطیت، تعلیمات مدنی، تاریخ اخباری و اصولی،

آهنگ مدرس یا دیوان اشعار فارسی و...

در اینجا دو بخش از کتاب تاریخ نجف، یکی در باره کتابخانه‌ها و دیگری گزارشی خلاصه که مؤلف از روزنامه‌ها و مجلات نجف را به دست داده، ارائه می‌کنیم. پیش از آن شرحی در باره کلیت کتاب خواهیم داشت.

درباره کتاب تاریخ نجف

تاریخ نجف یا دانشگاه اسلامی عنوانی است از مرتضی گیلانی معروف به مدرس که نسخه دستنویس مؤلف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. این کتاب در دو دفتر تنظیم شده به شماره ۱۶۶۳۲ حاوی ۳۸۵ صفحه و دفتر دوم ۱۶۶۳۶ آن هم حاوی ۳۸۵ صفحه است. گیلانی که خود سالها مقیم نجف و اساساً زاده آن شهر بوده و با پدرش در آن شهر می‌زیست، در سال ۱۳۷۵ ق به ایران بازگشت، در تهران اقامت گزید و در آموزش و پرورش مشغول تدریس شد. هدف وی در این کتاب نوشتن تاریخی برای شهر نجف و حوزه علمیه با تأکید بر زندگی دانشمندان و دانشجویان دینی این شهر است. طبیعی است که وی از مآخذ مختلفی بهره برده باشد، اما به دلیل زیست چند ساله در این شهر، و ارتباط مداوم با طلاب عرب و عجم آن، و نیز حساسیت‌های تاریخی و فرهنگی خود، یادگارهای فراوانی از شهر به صورت مکتوب و شفاهی داشته که هر یک را در جای خود در این کتاب آورده است. خودش در آغاز اشاره می‌کند که اینها صرفاً یادداشتهایی بوده است که برای تاریخ نجف نوشته تا وقت نیاز به آنها مراجعه کند، اما ظاهراً بعد مصمم شده است تا آنها را تدوین کند. در آغاز کتاب می‌نویسد:

در این دفتر یادداشت‌هایی از تاریخ نجف برای خود نوشتم که هنگام نیاز به آنها مراجعه کنم. به ویژه که در تاریخ ۲ / ۴ / ۱۳۳۵ خورشیدی آقای ابراهیم خان زرین قلم زنجانی، کنسولگری ایران در نجف نیز در این باب درخواستی کرده بود. هرگاه ذکر برخی از مطالب مهم یا نامی از شخصیت‌هایی نیامده، این کار حمل بر غفلت و قصور شود نه تعمد و تقصیر، جل من لا عیب له، العصمه لله وحده.

کتاب در چهار بخش تنظیم شده است که مفهوماً با تعابیری که ما انتخاب کرده‌ایم به این شرح است:

بخش یکم تاریخ و جغرافیای نجف.

بخش دوم: زندگی طلبگی

بخش سوم زندگی هزار دانشمند از پیش از روزگار شیخ طوسی تا عصر حاضر

بخش چهارم شامل تراجم ۲۵۳ تن از خطبا و سخنوران تازی و پارسی از روزگارهای قدیم و جدید.

برای این که ابعاد هر کدام از این بخشها روشن شود، شرحی خود او را در باره این بخشها می‌آوریم:

بخش یکم: وضع جغرافیای نجف و آب و هوای آن، اشعاری که برای نجف گفته‌اند، فرمانروایان عراق

در زمان تحریر این تاریخ، محلات نجف، بازارهای نجف، مساجد نجف، مدارس دینی نجف، مدارس جدید

نجف، کتابخانه‌های نجف، مجالس نجف، چاپخانه‌های نجف، مجلات و روزنامه‌های نجف، زیارتگاه‌های

نجف، خزانه حضرت علی و جواهر آن، زرانودی گنبد و مناره و ایوان، شناسایی حضرت علی، مرقد هود و

صالح پیامبر، مرقد کمیل بن زیاد، ایوان علما، تکیه بکتاشیه، قبور آل بویه، قبور آل حمدان، قبور ایلخانان با جلاپریان، قبور شاهان و وزرای قاجار، شورش بر عثمانی به تحریک استعمار، خاندان‌های نجف، معتقدات مردم نجف.

بخش دوم: غرض از دانش به عقیده دین بدن، دوره ابتدایی، دوره متوسطه، دوره نهایی، مساکن دانشجویان، مدرسان علوم در نجف، مضاده با یکدیگر، تعطیلی‌های نجف، علت انحطاط علمی، تکلم دانشجویان، پوشاک دانشجویان، زندگی دانشجویان، پانامهای دانشجویان [القاب علمایی]، دانش‌نامه‌های دینی، مشخصات مراجع عام، چگونگی سؤال و جواب دینی، انتخاب نجف برای تحصیل، مجلس افتا، یعنی چگونه مفتی فتوا می‌دهد، سیاست استعمار در نجف، طائفه زکرت و شمُرت، مشروطه و مستبد در نجف، کنسولگری روس در نجف، پدیداری استقلال عراق از نجف، حصار کردن انگلیس نجف را، نفی مراجع از نجف به ایران، نفی عراق ایرانیان را از نجف و عراق.

بخش سوم: هزار دانشمند از پیش از روزگار شیخ طوسی تا عصر حاضر از فقیه، اصولی، محدث، مفسر، کاتب، شاعر، لغوی، خطاط، ادیب، نسابه، سیاح، سیاستمدار، مورخ، فیلسوف، متکلم، منجم، طبیب، مهندس، ریاضی، صوفی، اخلاقی، قاری قرآن کریم.

بخش چهارم: شامل تراجم ۲۵۳ تن از خطباء و سخنوران تازی و پارسی از روزگارهای قدیم و جدید از آثار ایشان از کتاب و شعر و خطابه و غرایب نقل‌های آنان و فایده وجود اینان در مجمع دینی نجف و سیر حرکت در این نوع و علت انحطاط و عدم پیشرفت خطاب در نجف و شروطی از آن. وی پس از این مقدمه، شرحی در باره مأخذ و منابع خود داده و از تعدادی کتاب مطبوع و مخطوط به عنوان منابع خود یاد کرده است که طبعاً از میان آنها، عناوین مهم مخطوطاتی هستند که گیلانی از مؤلفان نجفی آن روزگار نام برده است. از برخی از این آثار که دست کم آن زمان مخطوط بوده است، یاد می‌کنیم:

نهج الصواب در مکاتیب نجف از شیخ علی بن محمد رضا آل کاشف الغطاء، تحفة العالم از سید جعفر آل بحر العلوم، تاریخ حیره از سید عبدالحججه بلاغی، تاریخ النجف منظومه عربی از شیخ محمد سماوی، کتاب فهرست کتب از شیخ ابوالقاسم بن زین العابدین کرمانی، العیقات العنبریه فی الطبقات الجعفریه از شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، الطلیعة فی شعراء الشیعة از شیخ محمد سماوی، قبائل فراتیة از سید مهدی آل قزوینی، الحصون المنیعة فی طبقات الشیعه از شیخ علی کاشف الغطاء.

به طور کلی درباره این کتاب باید گفت منهای محتوای که که در مواردی رونویسی از سایر متون و در بخش‌هایی نتیجه جستجوهای خود اوست و بسیار ارزشمند، نثر مؤلف چندان استوار نیست گرچه چندان سبک هم نه، میانه و معمولی است. تنها تفاوت آن است که به شکل بسیار محدودی تلاش دارد تا برخی از کلمات فارسی یا غیر معمول را به جای برخی از اصطلاحات بکار برد. مثل آن که تأکید دارد به جای «درگذشته» «گذشته» بگذارد. یا به جای مجتهد مرجع کلمه «مفتی» را به کار برد. در موردی هم به جای منبری و خطیب «پندده» به کار می‌برد.

در اینجا آنچه را که مرتضی مدرس گیلانی در باره کتابخانه های نجف آورده و سپس فهرست کوتاهی که از نشریات و مجلات نجف به دست داده است را تقدیم خوانندگان می‌کنیم. تنها اشاره کنیم که فهرستی از شماری از کتابخانه های نجف را مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در پایان مجلدات ششم تا هشتم الذریعه آورده است.

کتابخانه های نجف

در نجف کتابخانه‌های عمومی و خصوصی بسیار است. ابن طاوس در سعد السعود نقل کرده: نخستین کسی که در نجف کنار گور حضرت علی کتابخانه ترتیب داده حدود سال ۳۷۲ هجری، عضدالدوله پادشاه آل بویه بود. در کتاب عمدة الطالب گفته: در سال ۷۵۰ هجری حریقی در گور واقع شد. از این روی، مقداری مهم از آن کتابخانه سوخت. نگارنده کتابخانه‌هایی را که می‌دانم یا دیده‌ام، اعم از عام و خاص در این تاریخ یاد می‌کنم.

۱. کتابخانه حضرتی یا علوی: این کتابخانه هر چند برای مطالعه عمومی نیست و حکم انبار و خزانه حضرتی است، در سالی یکبار باز می‌شود و کتابهای آن را باد می‌دهند تا موربانه در آنها نیفتد، اما چون عنوان مکتب است، ذکر کردم. انگیزه آن که این کتابخانه مورد استفاده قرار نمی‌گیرد آن است که بیشتر کتب آن کتابهای نفیس و قیمتی است که مؤلفان روزگار به خط خود نگاشته، به این کتابخانه پیش کش کرده‌اند. یا کسانی خطوط ایشان را خریداری کرده، در اینجا نهاده‌اند. از جمله آثار نفیسی که در این کتابخانه وقتی بود، امید است که موجود باشد، برخی از مؤلفات ابن کمونه بغدادی است. و قرآنی است به خط کوفی که تاریخ کتابت آن حدود ۴۰ هجری است و گویند خط حضرت علی است. اما کتابشناسان در درستی آن خرده گرفته، گویند: هر گاه به خط وی بودی باید در توقیع نوشته شدی: علی بن ابی طالب. در صورتی که مضاف الیه ابن را به حالت رفعی می‌نوشتند. [کذا. شاید: باید در توقیع نوشته شدی: علی بن ابوطالب، زیرا آن زمان، مضاف الیه «ابن» را به حالت رفعی «ابوطالب» می‌نوشتند].

۲. کتابخانه بحر العلوم: مفتی سید محمد مهدی بحر العلوم، گذشته در نجف به سال ۱۲۱۲ هجری. در این کتابخانه کتابهای ارجمند بسیار بود. بعد از مرگش به پسرش سید رضا رسید و بعد از مرگ سید رضا به پسرهای سید محمدتقی و سید محمد حسین و سید علی مؤلف برهان قاطع در فقه رسید و بعد از سید علی، اندازه‌ای از آن را شیخ علی آل کاشف الغطاء خرید.

۳. کتابخانه مؤلف کاشف الغطاء - مفتی نجف، گذشته به سال ۱۲۲۸ هجری. از کتابخانه‌های ارجمند نجف است و در آن از آثار قدام بسیار یافت می‌شود. این کتابها را هنگامی که شیخ جعفر کاشف الغطاء به حجاز و ایران مسافرت می‌کرد، به دست آورده بود. بعد از وی اندازه‌ای از آن میان ورثه‌اش قسمت شد. با همه اینها امروز مهم‌ترین کتابخانه‌های نجف، کتابخانه کاشف الغطاء است. جایش در محله عماره در مدرسه معتمد محل استفاده همگانیست. از جمله کتابهای مهم آن کتابی است در ملل و نحل از مؤلفات امام محمد غزالی. برخی از جزوات چاپی آن را شیخ ناصر حویزی مدیر کتابخانه برای من آورده بود.

۴. **کتابخانه طریحی** - منسوب به شیخ فخرالدین طریحی مؤلف مجمع البحرین در لغت تازی. گذشته به سال ۱۰۸۵ هجری. این کتابخانه بعد از مرگ وی تباہ شد. کسی نقل کرد که در سرداب خانه شیخ نعمت طریحی به اندازه بار سه حمّال اوراق پراکنده از آن کتابها آنجا ریخته بوده، باران آنها را از هم پاشیده بود.

۵. **کتابخانه سید عزیز** - جد دودمان آل سید صافی. این سید کتابهای گران ارزش در کتابخانه خود از عراق و هند فراهم کرده بود. همه با خطوط خوب و کاغذهای مجدول به زر. از بعد از مرگش آنها پراکنده شد و موربانه در آنها افتاد و تباہ گشت و بیشتر آنها را در دریای نجف در آب ریختند و در چاه‌های آن.

۶. **کتابخانه هلال** - منسوب به سید احمد هلاله نجفی، از بزرگان و ثروتمندان نجف بود. عشق مفرطی به گردآوری کتابها داشت. کتابخانه‌ای فراهم کرد که در آن از نفائس مخطوط بسیار بود. چون فرزندان اهل دانش نداشت، بعد از وی آن پراکنده شد. امروزه از آن نشانی نیست.

۷. **کتابخانه آل محیی الدین** - منسوب به شیخ محمد بن یوسف نجفی از خانواده آل محیی الدین از فقهای نجف بود. در سال ۱۲۱۹ هجری درگذشت. این کتابخانه کتابهای سودمند پراکنده‌ای را گرد کرده بود که باز مرگش باز پراکنده شد.

۸. **کتابخانه نظام الدوله** - منسوب به علی محمد خان نظام الدوله بن امین الدوله عبدالله خان بن محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی گذشته به سال ۱۳۷۶ هجری. در این کتابخانه از کتابهای تازی و پارسی خطی نسخه‌های بی‌شماری بود که بیشتر به خط مؤلفان آنها بود. غالب آنها را از ایران گرد کرده. گویند بیش از بیست هزار مجلد بوده است. پس از مرگش میان ورثه قسمت شد. شاید هنوز کتابهایی از آن نزد نوادگانش یافت شود.

۹. **کتابخانه اصفهانی** - منسوب به مفتی شیخ محمد باقر بن محمد تقی بن محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی. وی از عشاق کتب نفیسه بود. در نجف سرایی برای کتابخانه خود خریداری کرد. برای همه طبقات، مطالعه و کتابت از آنها را مباح شمرد. هنگام بازگشتش به ایران و اصفهان برخی را فروخت و برخی را با خود برد. عمده کتابهایش در نجف و کربلا پراکنده شد. وی پدر آقانجفی اصفهانی است.

۱۰. **کتابخانه سید میرزای اصفهانی** - گویند این سید با آن که چندان در علوم وارد نبود، عشق بسیاری به جمع کتاب و آثار قدما داشت. هرچه از مال جهان پیدا کردی، همه را هزینه کتاب کردی. این کتابخانه کتابهایی داشت که به خط مؤلفان یا بر مؤلفین آن خوانده و تصحیح شده بود. بعد از مرگش دانسته نشد. جمله‌ای از آنها از موقوفات مدرسه چهارباغ اصفهان بود. از جمله کتابهایی که بعد از مرگش به کتابخانه شیخ علی آل کاشف الغطاء در نجف به فروش رسید، کتاب نهاییه ابن اثیر بود که بر مؤلفش خوانده شده، بر آن اجازه داده بود.

۱۱. **کتابخانه سید علی بحر العلوم** - منسوب به سید علی بن رضا بن محمد مهدی بروجردی بحرالعلوم است. وی از فقهای نجف بود و مؤلف برهان قاطع در فقه، و علاقه بسیاری به فراهم کردن کتابها داشت. به سال ۱۲۹۸ هجری که درگذشت، کتابهایش میان ورثه قسمت شد و اندازه‌های نیز فروخته شد.

۱۲. کتابخانه سید محمد بحر العلوم - منسوب به سید محمد بن محمد تقی بن رضا بن محمد مهدی بحر العلوم از فقهای نجف بود و مؤلف بلغۃ الفقیه. در این کتابخانه کتابهای خطی نفیس به حد اعلی بود. از جمله دیوان سید رضی که در زمانش نوشته شده بود. تحریر مجسطی نصیرالدین طوسی و امثال آنها. چون به سال ۱۳۲۶ هجری درگذشت، کتابخانه‌اش تا سه ماه در صحن حضرت علی به مزایده نهاده شد.

۱۳. کتابخانه نوری - منسوب به محدث خبیر شیخ حسین بن محمد تقی نوری طبرسی. از فقها و محدثین نجف بود و عشق مفرطی به گرد کردن کتابهای نفیس داشت، تا اندازه‌ای که حاضر بود البسه خود را بفروشد و کتاب مورد نیاز خود را بخرد. به سال ۱۳۲۱ هجری درگذشت. مرحوم مفتی سید هادی خراسانی حائری در این موضوع داستانی نقل کرده که نگارنده آن را در اینجا می‌آورم. آقای سید ابوالحسن قزوینی ما را گزارش داد، از سید فقیه سید اسدالله اصفهانی که از اصحاب میرزای شیرازی در سامرا بود، گفت: با شیخ نوری به کربلا رفتیم. در میان راه گفت: فلان کتاب و فلان کتاب را بسیار خواهان هستم. هر چه جستجو می‌کنم، نمی‌یابم. ما وارد کربلا شدیم و از کفشداری مرحوم سید هاشم در گوشه غربی ایوان به حرم رفتیم. چون بیرون آمدیم، نزدیک کفشداری زنی را دیدیم دو کتاب در دست داشت. نوری پرسید: مال فروش است؟ گفت: آری. کتابها را نظاره کردیم. اتفاقاً همان دو کتابی بود که می‌خواست. پرسید: چند می‌فروشی؟ گفت: بیست و دو قران. نوری به من گفت: هر چه پول داری بده. آنچه من و ایشان داشتیم شش قران بیشتر نبود. به زن دادیم. ما خود گفتیم: ما اکنون وارد شدیم. خوراک نخورده‌ایم. همه پول خود را دادیم آن نیز برای خرید کتاب، باقی پول کتاب را از کجا می‌آورد؟ پس به زن گفت: با ما بیا. رفتیم به بازار حراج. عباي خود را فروخت. باز هم کم بود. عمامه را فروخت. باز کم بود. قبا را فروخت. سرانجام کفش خود را نیز فروخت. پولها را داد و دو کتاب را خرید. برای نوری جز عرقچین و پیراهن و زیر جامه چیز نماند. گفتیم: مولانا! این چه حال است که بر خود آوردی؟ گفت: سهل است ما درویش هستیم. به همان وضع آمدیم وارد صحن شدیم. برخی از فقها و دوستان را دیدار کردیم. رفتند پوشاک آوردند و ایشان پوشیدند. به نظر نگارنده این داستان معقول می‌نماید. زیر آنچه از کهن سالان دانش شنیده‌ام، نوری مردی بود اضافه بر دانش، توانگر و عادات معقول نیست که مسافرت کند و ده بیست تومان با خود نداشته باشد و پوشاکی پوشیده باشد که بیست و دو قران نیرزد. شاید راوی از این داستان می‌خواهد صحنه سازی کند. آنچه مسلم و قدر متیقن است، نوری علاقه مفرطی به کتاب داشت.

۱۴. کتابخانه یزدی - منسوب به سید محمد بن سید محمد کاظم طباطبائی یزدی بود که به سال ۱۳۳۴ هجری [در اصل به اشتباه: ۱۳۲۴] در زمان زندگی پدرش درگذشت. عشق بسیاری به جمع آوری کتابهای خطی و چاپی داشت. وی برای کتابهای خود فهرستی ترتیب داده بود. قیمت هر یک را که از کجا خریده، همه را نوشته بود. پس از مرگش کتابخانه پراکنده شد.

۱۵. کتابخانه شریعت اصفهانی - منسوب به مفتی شیخ فتح الله بن محمد جواد، مشهور به شریعت اصفهانی، گذشته شب یکشنبه هشتم ربیع الثانی ۱۳۳۹ هجری. کتابخانه‌اش بسیار نبود، اما کتب نفیسه داشت. از آن جمله کتاب جامع الروات است که جامع روات شیعیه می‌باشد. بعد از مرگش، این کتاب به

کتابخانه مفتی سید حسن صدر کاظمی منتقل شد و بیشتر آنها را فرزندان او فروختند.

۱۶. کتابخانه بیت العبودی - که به آل شیخ مشهد معروف‌اند. بعد از مرگ جامعش [کذا] کتابها از میان رفت و اندکی از آنها را شیخ علی آل کاشف الغطاء خرید.

۱۷. کتابخانه بیت دجیم - منسوب به شیخ عبدالرحیم از فقها بود، و از ایران به نجف آمد و در روزگار شیخ علی کرکی حدود ۹۹۰ هجری زندگی می‌کرد، و از آن اکنون نشانی نیست.

۱۸. کتابخانه بیت مشهدی - منسوب به شیخ ابراهیم بن علی ربیعی مشهدی که حدود ۱۲۴۰ هجری زنده بود. وی کتب بسیاری جمع کرد، اما بعد از مرگش میان ورثه متفرق شد. شاید هنوز برخی از آنها در این خانواده پیدا شود.

۱۹. کتابخانه بیت نجف - منسوب به حاج نجف تبریزی است که در سده دوازده و سیزدهم در نجف زندگی می‌کرد و تاکنون نیز از ایشان اهل دانش موجود است. شیخ محمد طاهنا نجف مفتی مشهور از این خانواده است. این کتابخانه از میان رفته، اما اندکی از بقایای آن در این خانواده یافت می‌شود. برای معرفت بیت نجف مراجعه به خانواده‌های این کتاب شود.

۲۰. کتابخانه بیت حکیم - منسوب به سید حسن حکیم حسنی است که داماد شیخ موسی بن جعفر آل کاشف الغطاء بود و این خانواده غیر از بیت حکیم حسنی هستند که در نجف از خدمه حضرتی به شمار می‌آیند. کتابهای این سید بعد از مرگش همه تلف شد و اکنون چیزی از آن در دست نیست.

۲۱. کتابخانه جزائری - منسوب به مفتی شیخ احمد جزائری مؤلف آیات الاحکام است. گذشته به سال ۱۱۵۱ هجری. هنوز این کتابخانه بقایایی از آن نزد دودمانش هست. برای شناسائی به خانواده وی در این کتاب مراجعه شود.

۲۲. کتابخانه شیخ کاشف الغطاء - این کتابخانه در واقع همان کتابخانه شیخ جعفر کاشف الغطاء است با اضافاتی در مدت دویست سال که بر آن شده. این کتابخانه را به این گونه‌ای که اکنون هست و در مدرسه معتمد بنا شده، محل استفاده عموم است.

۲۳. کتابخانه شیخ هادی - منسوب به مفتی شیخ هادی آل کاشف الغطاء، از کتابخانه‌های سودمند است، اما عمومی نیست. کتابهای خطی بسیار دارد. از آن جمله ... مقالات اقلیدس تألیف ابن الهیثم بصری و درة التاج علامه شیرازی.

۲۴. کتابخانه سماوی - منسوب به شیخ محمد بن طاهر سماوی، قاضی اسبق نجف است، گذشته به سال ۱۳۷۱ هجری. کتب نفیس خطی بسیار دارد. مخصوصاً کتب ریاضیات و نجوم. از آن جمله کتاب التفهیم عربی بیرونی که نگارنده به درخواست وی نواقص آن را از فارسی به عربی ترجمه کرد و آن را تکمیل ساختم. بعد از مرگش داماد وی شیخ جواد خمایسی همه را مزایده [؟] کرد و از پول آن بهره‌مند شد. سه روز نزدیک به مرگش به نگارنده گفت: شنیده‌ام کتاب مسالک ابن هشام در نحو نزد محمود صاف برای فروش آورده‌اند. لطفاً تحقیق کن از کیفیت و قیمت آن چیست. من از حرص وی به کتاب بسیار در شگفت شدم. آن را من خود خریده بودم. ناگزیر به وی دادم. او نسخه‌ای از آن را که بهتر نبود به من داده.

از جمله کتابهای نفیس این کتابخانه، کتاب عین خلیل بن احمد نحوی است که به خط خود استنساخ کرده. سپس آن را در بغداد حدود پانصد دینار ظاهرا فروخت. دیگر از کتب نفیس آن، کتاب زیج بهادری بود که از کتب مرحوم شیخ محمد منجم گیلانی بود و این کتاب را به دقت از اول تا آخر تصحیح کرده، یادداشتهایی بر آن نوشته بود که بعد از مرگش صالح جعفری در مزایده آن را خرید. بعدا این کتاب را امین، برای کتابخانه حضرتی که فراهم می‌کرد، خرید. اکنون در آنجاست. شیخ محمد شریعت، کتابخانه وی را سجن الکتب تعبیر می‌کرد.

۲۵. کتابخانه سید بحر العلوم - منسوب به فقیه سید جعفر آل بحر العلوم بود. وی از معاصرین است و از شاگردان شیخ محمد کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبائی است. وی علاقه بسیاری به خرید کتب نفیس داشت. کتاب مطلع السعدین داشتیم، او خرید. از کتاب نفیس، دست کمی از شیخ محمد سماوی نداشت.

۲۶. کتابخانه خوانساری - منسوب به فقیه شیخ محمد علی بن محمد حسن خوانساری از شاگردان شیخ حبیب الله رشتی بود. عمر خو در در جمع کتب نفیس صرف کرد. حدود دو هزار مجلد کتابهای قیمتی داشت. به سال ۱۳۳۲ هجری در نجف درگذشت. پس از مرگش، ظاهرا آنها را فرزندش شیخ محمد که در سلطان آباد ساکن است، بدانجا نقل داد.

۲۷. کتابخانه آل قزوینی - منسوب به فقیه سید احمد قزوینی. از فقهای نجف بود. بعد از مرگش به پسرش سید محمد باقر قزوینی رسید. چون به سال ۱۲۴۷ هجری وی درگذشت، به پسرش سید جعفر رسید. وی بیشتر آنها را به خویشان خود فروخت. اما سید مهدی قزوینی گذشته به سال ۱۳۰۰ هجری از این دودمان کتابهای بسیاری جمع کرد و گویند هزار نسخه خطی که غالب به خط مؤلفان آنها بود، در این کتابخانه بود. اما بعد از او این کتابخانه متفرق شد. اندازه‌های از آن به حله [شاید: «به باد»] رفت و اندکی در نجف پراکنده شد.

۲۸. کتابخانه حسینییه شوشتری - جایش در محله عماره، میان کوچه سلام است. حاج محمدرضای شوشتری که از تجار بود، این حسینییه را ساخت. بعدا این کتابخانه را که شیخ علی محمد نجف آبادی اصفهانی فراهم کرده بود، پس از مرگش به این حسینییه نقل داد. نجف آبادی در شمار حکما و منجمین بود و طبابت نیز کردی. به سال ۱۳۳۲ هجری در نجف بی‌عقب درگذشت. سرایی داشت. آن را وقف بر مدیری که آن کتابخانه را اداره کند، برگزار کرد. نخستین کسی که مدیر آن شد، ملاغلام حسین بود. این مرد بسیار علاقه به مطالعه داشت. در عین حال مدیر این کتابخانه بود. وقتی کتاب جفری که از آثار محمود دهدار بود از وی برای مطالعه گرفتند گویا مستعیر [یا: مستفید]، آن را به سرقت برد. مدیر به سبب آن رنجور شد و درگذشت. این کتابخانه تاکنون محل استفاده همگان است. حدود شش هزارمجلد کتاب دارد و از کتابهای خطی آن یکی کتاب مناظرات کمال الدین است و دیگر کتاب کفایة التعليم عبدوس منجم غزنوی است. برخی می‌پندارند که کتابخانه علی محمد غیر از کتابخانه حسینییه شوشتری است. از ابزار نجومی اسطرلاب کره‌ای داشت و اسطرلاب مسطح مسدس و کره بطليموس از برنز و ... را از تخته

ساخته بود، برای فهمانیدن دانشجویان.

۲۹. کتابخانه سید عباس خرسان - که به دست سید عبدالرسول خرسان است. این کتابخانه عمومی نیست، اما اهل فضل می‌توانند با اجازه از آن استفاده کنند.

۳۰. کتابخانه سید محمد حسین کیشوان - منسوب به سید محمد حسین کیشوان است. کیشوان معرب و مخفف کفش‌دار است. چون پدران وی کفشدار آستان حضرت علی بودند. وی از فضایی نجف بود و در ریاضیات عالیّه مطالعه داشت. چنان که مجسطی را به خط زیبای نسخ خود نگاهشته بود. او با شیخ محمد سماوی قاضی نجف هنگامی که مرحوم استاد حبیب‌الله ذوالفنون اراکی و آقا محمدرضای اصفهانی در نجف بودند، نزد ایشان درس می‌خواندند. کتابخانه او اندک است، لیک کتب نفیسه دارد و خصوصی است.

۳۱. کتابخانه آل حبوش - جایش در محله براق است و محل استفاده همگان. نگارنده برخی از آثار مطبوع خود را به آن اهداء کردم. ظاهراً مدیرش شیخ موسی الهادی مرندی است حفظه‌الله.

۳۲. کتابخانه محیی‌الدین - منسوب به ادیب شیخ قاسم محیی‌الدین که از ادبا و شعرای معاصر است. کتابخانه او مورد استفاده مخصوصین از یارانش می‌باشد. کتب خطی نیز دارد. چون میرزا علی طیب سمنانی درگذشت، حدود بیست سی مجلد از مؤلفات خطی او را شیخ قاسم خرید و در کتابخانه خود نهاد. این کتابخانه در واقع، محل گردمآیی شعرا و ادبا بود. نگارنده نیز مدتی شب‌ها به آنجا می‌رفتم. مطارحات ادبی بسیار می‌شد. مدتی نزد وی عروض و قافیه می‌خواندم. محیی‌الدین گاهی مزاح می‌کرد. شبی یکی از شعرا که فعلاً درگذشته، به مجلس وارد شد و اظهار تخصص در عروض و قافیه می‌کرد. استاد از او خواست که این بیت را تقطیع کند: ان من قبلی طبعه / ذاک اصل العلم و الادب. شاعر آغاز به تقطیع کرد تا به جایی ناشایست آن رسید. حضار همه بر وی بخندیدند.

۳۳. کتابخانه تهرانی - منسوب به شیخ محمد محسن مشهور به آقابزرگ تهرانی مؤلف کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه می‌باشد. هرچند اندک است اما بر عموم مردم باز است.

۳۴. کتابخانه سید محمد صادق - منسوب به بحاث سید محمد صادق آل بحرالعلوم است. او از نویسندگان و شعرای نجف است و فعلاً در شمار قضات رسمی دولتی است. این کتابخانه در مدرسه قوام است و محل استفاده اهل فضل.

۳۵. کتابخانه زنجانی - منسوب به فقیه شیخ جواد زنجانی متوفی به سال ۱۳۵۰ هجری. این کتابخانه را بعد از مرگش به کتابخانه حسینیه شوشتری انتقال دادند، با آن یکی کردند.

۳۶. کتابخانه عامه - جایش بیرون شهر بود. نزدیک مسجد فقیه شیخ موسی دعیبیل است. این را دولت باز کرده، در آن اقسام مجلات و روزنامه‌ها و کتب تازه هست. برای روشن ساختن افکار مردم و آشنا کردن ایشان با اوضاع روز و زمانه، در این کتابخانه کتاب به استعاره نیز می‌دهند که هر کس خواست به بیرون ببرد و مطالعه کند.

۳۷. کتابخانه خامنه‌ای - منسوب به سید دانا محمد مشهور به خامنه‌ی، گذشته به سال ۱۳۵۲

- هجری. این کتابخانه را پس از مرگش، به کتابخانه حسینیه شوشتری انتقال دادند.
- ۳۸. کتابخانه [امام] علی -** این کتابخانه را مؤلف الغدیر در نجف دایر کرده است، و جایش انتهای بازار حویش در خانه‌ای که وقتی منسوب به فاضل شرایبانی و مدرسه علوی بوده است.
- ۳۹. کتابخانه تهرانی -** منسوب به شیخ محمد تقی تهرانی است که مدتی در بمبئی ساکن بود. بعداً به نجف بازگشت. بعد از مرگش به کتابخانه حسینیه منتقل شده. مرگش حدود ۱۳۵۷ هجری بود.
- ۴۰. کتابخانه استرآبادی -** منسوب به سید محمدرضای استرآبادی گذشته به سال ۱۳۳۶ هجری. این کتابخانه نیز بعد از مرگش به کتابخانه حسینیه در نجف انتقال یافت.
- ۴۱. کتابخانه مدرسه یزدی -** منسوب به مدرسه فقیه سید محمد کاظم طباطبائی یزدیست. کتابخانه مختصری است و بیشتر اوقات بسته است. در این کتابخانه، کتابهای خطی فراوان است. از آن جمله کتاب زیج الغ بیک را باید نام برد. نگارنده گاه گاهی آن را مطالعه می‌کردم.
- ۴۲. کتابخانه مدرسه طباطبائی -** منسوب به مفتی سید حسین طباطبائی بروجردی. نسبتاً کتابخانه مرتبی است و محل استفاده عموم طبقات است و دارای کتب خطی و چاپی قدیم و جدید. این مدرسه و کتابخانه در نجف در سرپرستی شیخ نصرالله خلخالی است. وی نماینده بروجردی در نجف بود.
- ۴۳. کتابخانه زنجانی -** منسوب به فقیه شیخ اسدالله زنجانی از شاگردان شریعت اصفهانی و میرزا حسین نائینی بود. در ریاضیات قدیمی وارد بود. نگارنده مدتی نزد وی هیأت می‌خواندم. از مخطوطات کتابخانه وی یکی شرح و ترجمه مقالات اقلیدس است که استادش میرزا ابراهیم مسگر زنجانی نوشته بود. در آن، محل استفاده بود. شیخ اسدالله حدود سال ۱۳۷۰ هجری ظاهراً زنده بود.
- ۴۴. کتابخانه مدرسه کوچک خراسانی -** مدرسه کوچک خراسانی در نجف در کوچه صد تومانی واقع است و منزل مرحوم شریعت اصفهانی در جوار آن بود. گویا آن مرحوم، کتبی وقف بر آن مدرسه کرده بود. این کتابها مدتی در حجره آقا محمد شریعت فرزند او محل استفاده بود. نگارنده کتاب شرح مطالع الانوار در منطق را که از این کتب بود، مدتی گرفته بود.
- ۴۵. کتابخانه شوشتری -** منسوب به سید احمد شوشتری جزائری است که معروف به سید آقای جزائری بود. وی از فضلاء محدث نجف بود و از دودمان مرحوم محدث جزائری، چنان که خود نقل می‌کرد، غالباً مشغول جمع آوری آثار جزائری بود و آنها را تدوین و ترتیب می‌داد. در تجوید و افاده در آن، در نجف مشهور بود.
- ۴۶. کتابخانه گیلانی -** منسوب به مفتی شیخ شعبان گیلانی، گذشته به سال ۱۳۴۸ هجری والد نگارنده. این کتابخانه پس از مرگش، بسیاری از آن فروخته شد و دیون وی پرداخته شد. مقدار معتناهی نیز به امانت نزد برخی سپرده شد. بیشتر کتب این کتابخانه، کتب فقه و اصول و تفسیر بود. از جمله کتاب نهج البلاغه خطی بود که مجلسی دوم آن را تصحیح و مقابله کرده بود. نگارنده که فعلاً در تهران ساکن هستم. چیزی از آن کتب ندارم.
- ۴۷. کتابخانه مازندرانی -** منسوب به مفتی و قاضی نجف شیخ عبدالله مازندرانی گذشته به سال

۱۳۳۰ هجری از جهت کیفیت کتابخانه مهمی بود. گویند پس از مرگ وی دامادش شیخ ابوالحسن برادرزاده وی در تصرف خود در آورد. مقداری اندک از آن در سرای او در نجف واقع در محله خُویش در کوچه طاق علی آقا خانه شماره ... [در اصل ندارد، اما در شرح حال خودش در اخبار حکما آن را ۴۹/۵۴ آورده است.] که نگارنده در آن زابیده شدم، مانده بود. از آن جمله کتابها، کتاب شواهد ربوبیه یا مشاعر عرشیه که فعلا درست در خاطر من نیست که کدام است، موجود بود که گویا مرحوم مازندرانی هنگامی که آن را درس می خوانده، به خط خود تحریر کرده بود. درست به یاد ندارم گویا حدود سالهای ۱۲۷۲ هجری نوشته شده بود، و مهری و امضای وی در آن زمان چنین بود: المتوکل علی الله البصیر عبدالله بن محمد نصیر. لیک در زمان ریاست خود که اوراق را مبیضه می کرد، مهر وی چنین بود: قال انی عبدالله.

۴۸. [اسم کتابخانه نیامده] منسوب به مفتی سید جواد بن محمد حسن حسینی عاملی از شاگردان وحید بهبهانی و طباطبائی، گذشته به سال ۱۲۲۶ هجری. ظاهرا از این کتابخانه نشانی نمانده، نامش هست، نشانش نیست.

۴۹. کتابخانه مامقانی - منسوب به مفتی شیخ محمد حسن فاضل مامقانی، گذشته به سال ۱۳۲۳ هجری. در بعد از مرگش به فرزندش مرحوم مفتی شیخ عبدالله منتقل شد، و اکنون در دست حفید وی است. نگارنده مکرر این کتابخانه را دیده‌ام. جایش در نجف، محله عماره در خانه‌ای که مقبره مامقانی آنجاست، مورد استفاده خواص است.

۵۰. کتابخانه شیخ شوشتری - منسوب به مفتی و پند ده شیخ جعفر شوشتری، گذشته به سال ۱۳۰۳ هجری. پس از مرگش به اولاد او منتقل شد. از این کتابخانه بیش از این خبری نیست.

۵۱. کتابخانه حرز الدین - منسوب به مفتی شیخ محمد حرز الدین نجفی، گذشته به سال ۱۳۶۵ هجری. اکنون این کتابخانه در دست حفید وی است.

۵۲. کتابخانه رشتی - منسوب به مفتی شیخ عبدالحسین رشتی، گذشته به سال ۱۳۷۳ هجری. نگارنده مدتی از کتاب شرح اشارات خواجه نصیرالدین که مصحح به تصحیح وی بود، زمان استفاده‌ام، در اختیار داشتم. بعد از وی به فرزندش منتقل شد.

۵۳. کتابخانه اصفهانی - منسوب به مفتی سید ابوالحسن اصفهانی گذشته به سال ۱۳۶۵ هجری. بعد از مرگش گفته‌اند فروخته شد یا به کتابخانه مشهد انتقال یافت. به همه حال، اطلاع درستی از آن ندارم.

۵۴. کتابخانه خراسانی - منسوب به مفتی شیخ محمد کاظم خراسانی مؤلف کفایه الاصول گذشته به سال ۱۳۲۹ هجری. مرحوم شیخ محمد جواد مرندی برای نگارنده نقل کرد: روزی نزد استاد خراسانی رفتم. دیدم در کتابخانه خود نشسته مطالعه می کند. از کتابخانه و وضع استفاده وی غیبه بردم. استاد منتقل شده گفت: ای شیخ! این درس اصول گفتن دیگر برای من وقت مطالعه کتب متفرقه نگذاشته است. واقعا چنین بود. زیرا بیش از هزار دانشمند به درس اصول او حاضر می شدند. ناگزیر چنین تدریس، مطالعه می خواهد. پس از مرگش به فرزندانش انتقال یافت.

۵۵. کتابخانه خلیلی - منسوب به مفتی میرزا حسین خلیلی تهرانی از اقطاب مشروطیت ایران، گذشته به سال ۱۳۲۶ هجری. بعد از مرگش به فرزندش شیخ محمد خلیلی منتقل شد.

۵۶. کتابخانه محلاتی - منسوب به مفتی شیخ اسماعیل محلاتی مؤلف الالکی المربوطة فی وجوب المشروطة، گذشته در نجف به سال ۱۳۴۲ هجری. گویا بعد از مرگ وی در تصرف سید محمد باقر محلاتی درآمد، چون که فرزندش آقا محمد در زمان زندگی پدر خود درگذشت.

۵۷. کتابخانه خوانساری - منسوب به مفتی سید ابوتراب خوانساری گذشته به سال ۱۳۴۵ در نجف. چون فرزندان ذکورش درگذشته بودند، از این روی در تصرف وصی او سید محمدرضای تبریزی درآمد. نگارنده کودک بودم که با حفید وی سید حسین در کتابخانه وی رفته بودم تماشا می‌کردم.

۵۸. کتابخانه مدرسه قوام شیرازی - کتابخانه مختصری بود که به مرور ایام کتابهایش متفرق و پراکنده شد. نگارنده سفر اول اسفار صدرالدین شیرازی را که خطی بود، در زمان اقامت خود در آن مدرسه از این کتاب استفاده می‌کردم.

۵۹. کتابخانه مؤلف جواهر - منسوب به مفتی شیخ محمد حسن مؤلف کتاب جواهر الکلام در شرح شرائع الاسلام، متوفی به سال ۱۲۶۶ هجری. بعد از مرگش میان ورثه‌اش تحلیل رفت. گویند بیشتر کتب فقهیه را حاوی بود.

۶۰. کتابخانه مدرسه بزرگ خلیلی - منسوب به مفتی میرزا حسین خلیلی. چنین شنیدم که برخی برای آن، کتابخانه‌ای نام برده بود. نگارنده چندین سال در این مدرسه ساکن بودم. بلکه مدتی نیز نظارت به امور داخلی آن داشتم. هرگز کتابخانه‌ای که دارای چندین هزار کتاب باشد، ندیدیم و از کسی نیز نشنیدم. شاید اگر چیزی بوده، قبل از ما بوده است یا بعدا دایر شده. این اطلاعات سی سال پیش است که نگاشته‌ام. و از همه غریب‌تر آن که بنای این مدرسه را به میرزا خلیل که پدر مرحوم میرزا حسین خلیلی است، نسبت داده و میرزا خلیل را از اقطاب مشروطیت معرفی کرده است. ممکن است کسی بگوید: مقصود از میرزا خلیل به آن، میرزا حسین خلیلی است. مدعی، آقای عباس خلیلی مدیر اقدام را فرزند ایشان گفته، یعنی فرزند میرزا حسین خلیلی، در صورتی که ایشان فرزند شیخ اسدالله خلیلی و نوه میرزا علی خلیلی است.

۶۱. کتابخانه مدرسه بخارایی - گویند: این مدرسه کتابخانه‌ای داشته که دارای چندین هزار مجلد کتاب بوده. بنده مدتی در این مدرسه رفت و آمد داشتم. چنین چیزی آنجا ندیدم. شاید کتب مختصری داشته که بعدها از میان رفته.

۶۲. کتابخانه منتدی النشر - این منتدی النشر در نجف به همت شیخ محمدرضا مظفر دایر شد. در واقع مانند مؤسسه الاهیات تهران است. کتابخانه‌ای دارد. نگارنده بیشتر اوقات آنجا می‌رفتم. کتاب علم المنطق خیرالدین مصری را که به شیوه تازه نوشته شده بود، مطالعه می‌کردم.

۶۳. کتابخانه نائینی - منسوب به مفتی شیخ محمد حسین نائینی، گذشته به سال ۱۳۵۵ هجری در نجف. ظاهرا بعد از مرگش در دست فرزندان او بوده باشد.

۶۴. کتابخانه فقیهی - منسوب به خطیب میرزا ابوالحسن فقیهی گیلانی اخوی نگارنده، گذشته به

سال ۱۳۸۸ هجری که در سال ۱۳۵۱ هجری آن را با خود به ایران انتقال داد و اکنون در تصرف فرزندان وی است و بیشتر کتب وی اخبار و تواریخ و تفسیر است.

۶۵. کتابخانه عراقی - منسوب به مفتی شیخ ضیاء‌الدین عراقی، گذشته به سال ۱۳۶۱ هجری در نجف. بعد از مرگش چون فرزندان ذکور خردمند نداشت، ظاهراً از میان رفت.

۶۶. کتابخانه اصفهانی - منسوب به مفتی شیخ محمد حسین اصفهانی، گذشته به سال ۱۳۶۱ هجری در نجف. کتابخانه‌اش پس از مرگ او به فرزندان انتقال یافت.

۶۷. کتابخانه آل یاسین - منسوب به مفتی شیخ محمدرضا آل یاسین، گذشته به سال ۱۳۷۰ هجری در نجف. خانواده آل یاسین همه از فقهاء‌اند. چنان که شیخ مرتضی آل یاسین، شیخ راضی آل یاسین همه از فقهاء بوده‌اند. ظاهراً اخیر، تاریخی برای کاظمین نگاشته بود. کتابخانه مترجم، بعد از مرگش منتقل به فرزندان شد.

۶۸. کتابخانه مدرس گیلانی - منسوب به نگارنده این کتاب، مرتضی گیلانی مشهور به مدرس. قریب هزار مجلد است. در سال ۱۳۷۵ هجری که به تهران مهاجرت کردم، بعداً آن را به تهران انتقال دادم و در منزل شخصی من است. دو سه سال، پیش آقای حسن ره آورد که راجع به کتابخانه‌ها چیزی می‌نگاشت آمد و از کتابهای فارسی تنها صورتی برداشت.

۶۹. کتابخانه صالح الجعفری - منسوب به استاد صالح الجعفری است که از دومان مفتی شیخ جعفر مؤلف کاشف الغطاء است. وی از طلاب دینی بود. بعداً در وزارت آموزش و پرورش نجف درآمد. او کاتب و شاعر و بحاثه است. او را برادری بود به نام شیخ محمد علی که با نگارنده به درس سید حسن بجنوردی حاضر می‌شدیم. در جوانی درگذشت. رحمت الله علیه.

۷۰. کتابخانه فیروزآبادی - منسوب به مفتی سید محمد فیروزآبادی، گذشته به سال ۱۳۴۵ هجری در نجف است. شنیدم کتابخانه مختصری داشت که بعد از وی به فرزندش فقیه سید مرتضی فیروزآبادی منتقل شد.

۷۱. کتابخانه همدانی محدث - منسوب به محدث شیخ شیرمحمد همدانی از فقهاء و محدثین نجف است. بیشتر در منزل مرحوم قاضی سماوی به خدمت وی می‌رسیدم. مردی اهل و پرهیزکار و دانشمند بود و اکثر از کتب و اشعار [و] حدیث و تفسیر تفحص می‌کرد. وقتی خواستم کتابی از کتب اصول نزد وی برخوانم؛ چون که مکرر قاضی سماوی به نگارنده می‌گفت: لازم هذا المحدث، متعذر شد که اوقاتش مستغرق در استنساخ و مراجعت است، و فراغت برای تدریس ندارد.

۷۲. کتابخانه همدانی حسینی - منسوب به سید حسین همدانی است. وی از فضلا و عرفاست و بیشتر اهل فضل در ادعیه و اوراد از او استجازه نقل و روایت می‌کردند. نگارنده مکرر خدمت وی رسیدم. منزل وی در پشت مقبره مرحوم خلیلی بود و سید علی همدانی فرزند وی است.

۷۳. کتابخانه اردوبادی - منسوب به شیخ محمد علی اردوبادی، گذشته در نجف به سال ۱۳۷۵ هجری. او از لغویین عرب و بحاثه در اصول ادب بود. فضالی نجف از محضرش در این گونه مطالب

استفاده می‌کردند. اکثر شهرها به مجلس استاد شیخ قاسم محیی‌الدین جامعی رفت آمد داشت و در مطارحات ادبی و لغوی پیش تاز بود و در نظم و نثر تازی استاد.

۷۴. کتابخانه مَقْرَم - منسوب به فقیه سید عبدالرزاق مَقْرَم نجفی از ادبای نجف است. مکرر خدمت وی دست داده، شنیدم کتابخانه‌ای مرتب دارد.

۷۵. کتابخانه مدرسه شرایبانی - منسوب به مفتی شیخ محمد فاضل شرایبانی، متوفی در نجف به سال ۱۳۲۲ هجری. کتب مختصری داشت که به دست متولی آن سید شکرالله بهیمنی بود. این کتب را فاضل شرایبانی وقف کرده بود، یا بعد از وی کسانی وقف کردند، معلوم نشد.

۷۶. کتابخانه انصاری - منسوب به مفتی شیخ مرتضی انصاری شوشتری، متوفی به سال ۱۲۸۱ هجری در نجف بود. چون فرزند ذکور نداشت، بعد از مرگش ظاهراً پراکنده شد. مرحوم شیخ محمد فرزند شیخ محمد باقر شوشتری برای نگارنده نقل کرد، کتابخانه انصاری را تقویم کردند؛ به هزار تومان، آن روزگار قیمت شد. گویا در کتب وی کتابهای وقفی دیگران نبود. چون در این باب داستانی شنیده‌ام ذکر آن بی‌مورد نیست. مرحوم مفتی سید هادی خراسانی ساکن کربلا از ملا ابوالحسن مازندرانی از جدش نقل کرد که چون بیماری شیخ انصاری شدت یافت، از کربلا با مفتی شیخ زین العابدین مازندرانی، به نجف رفتیم و به منزل انصاری شتافتیم. در بستر بیماری بود. در مقام وصیت برآمد و گفت: گواه باشید که من در عمرم در سرای وقفی ننشستم، و در کتاب وقفی درس نخواندم و مطالعه نکردم و ابداً از کسی وام نگرفتم. اگر بعد از من کسی ادعای طلبی کند، دروغ گفته. از مال جهان جز این انگشتری و پوستین ندارم. و هر دو را به شیخ زین العابدین بخشید و یک عصا که آن را به ملا ابوالحسن داد. پس ملا را آواز داد و گفت: یک بقچه رخت دارم. حاضر کن. همه نینمردار بود، اما شسته و پاک. گفت: تا زنده‌ام در مدرسه ببر و میان طلاب قسمت کن. و گفت: چند کتاب دارم. همه را وقف کردم. قدری پول نزد فلان تاجر است که از وجوه است. غسل مرا جناب سید علی شوشتری متصدی شود، و او وصی من می‌باشد. آن پوستین کهنه که به شیخ مازندرانی رسید، شیخ و دودمانش به آن تبرک می‌جستند. هر کس تب می‌کرد به قصد تندرستی روش می‌کشید و به فرمان خدای، بهبودی فراز می‌آمد.

۷۷. کتابخانه مدرسه صدر - منسوب به مرحوم محمد حسین خان اصفهانی صدر اعظم فتحعلی شاه قاجار است. ظاهراً هنگامی که این مدرسه را می‌ساختند، کتبی نیز برای طلاب آن وقف کردند.

۷۸. کتابخانه ماللی - منسوب به ملا عبدالله یزدی است. مؤلف حاشیه در منطق. دودمان وی در نجف معروف‌اند به بیت الماللی که از طائفه شمردت نجف‌اند و مدتی کلیددار مرقد [امام] علی [ع] بودند. بیشتر خونریزی‌های زُقرت و شُمرت، میان ایشان بود.

۷۹. کتابخانه مرتضوی - منسوب به میرزا عبدالرحیم بلبلآبادکوبی بود. او برای روشن کردن افکار ایرانیان در نجف این کتابخانه را فراهم کرده بود. بعداً به هندوستان رفت.

۸۰. کتابخانه رابطه - منسوب به جمعیت رابطه در نجف بود و مدتی شیخ محمدعلی یعقوبی مُشرف بر آن بود و فعلاً آباد است.

۸۱. **کتابخانه جامعه النجف** - منسوب به مدرسه جامعه النجف است که حاج اتفاق تهرانی آن را ساخت و گویا کتابخانه‌ای نیز برای آن ترتیب داد.
۸۲. **کتابخانه جمعیه التحریر الثقافی** - منسوب به جمعیه التحریر الثقافی است که نام انجمنی است برای روشن کردن مردم.
۸۳. **کتابخانه عبدالعزیز آل صافی** - منسوب به عبدالعزیز نامی است. او را نشناختم. گویا دایر برای استفاده است.
۸۴. **کتابخانه علی خلیلی** - منسوب به مفتی شیخ علی بن خلیل تهرانی است که جد آقا عباس خلیلی است که در سال ۱۲۹۱ هجری در نجف درگذشته. گویا کتابخانه خاص بود که در دودمانش منحصر بود.
۸۵. **کتابخانه باقر شوشتری** - منسوب به فقیه ملامحمد باقر شوشتری بود. وی مردی فقیه و جهانگرد بود. از او پسری مانده بود به نام شیخ موسی شوشتری.
۸۶. **کتابخانه جوهرچی** - منسوب به حاج صالح جوهرچی که مدرسه دینی ساخته بود و کتابخانه برای آن وقف کرد.
۸۷. **کتابخانه شیخ علی کاشف الغطاء** - منسوب به مفتی شیخ علی بن محمدرضا بن هادی آل کاشف الغطاء است، از فقهای عصر حاضر است و این کتابخانه شخصی اوست. شاید همان کتابخانه مرحوم شیخ هادی باشد.
۸۸. **کتابخانه اصفهانی رشتی** - منسوب به سید محمد باقر اصفهانی رشتی است که از فقهای زمان خود بود.
۸۹. **کتابخانه سید هاشم** - منسوب به سید هاشم بن سید جعفر آل بحر العلوم است و خصوصی است.
۹۰. **کتابخانه شیخ فرج الله** - منسوب به شیخ فرج الله از فضایی عصر حاضر در نجف است و خصوصی است.
۹۱. **کتابخانه یعقوبی** - منسوب به خطیب شیخ محمدعلی یعقوبی نجفی است و خصوصی است.
۹۲. **کتابخانه صادق کمونه** - منسوب به سید صادق آل کمونه است. وی وکیل و محامی است و خصوصی است.
۹۳. **کتابخانه بلاغی** - منسوب به بلاغی مدیر مجله اعتدال در نجف است و ظاهراً خصوصی است.
۹۴. **کتابخانه شهیب** - منسوب به یوسف عبدالله شهیب حلی از معاصرین در نجف است.
۹۵. **کتابخانه فخرالدین** - منسوب به فخرالدین است. ظاهراً از دودمان آل محیی الدین باشد.
۹۶. **کتابخانه خطباء** - ظاهراً منسوب به خطبای نجف است، و مورد استفاده همگانی است.
۹۷. **کتابخانه آل راضی** - منسوب به مفتی شیخ راضی است که در خانواده وی مشهور است.
۹۸. **کتابخانه هندی** - منسوب به مفتی سید محمد هندی پدر شاعر سید رضایی است و خصوصی.
۹۹. **کتابخانه حبوبی** - منسوب به مفتی و شاعر سید محمد سعید حبوبی نجفی است که فعلاً در

دودمان وی است.

۱۰۰. **کتابخانه سید یزدی** - منسوب به مفتی سید محمد کاظم طباطبائی یزدی که به فرزندانش منتقل شد.

۱۰۱. **کتابخانه آل مظفر** - منسوب به آل مظفر است. کسانی که از ایشان در نجف مشهور بودند، عبارت‌اند از شیخ محمد حسن مفتی مشهور، و شیخ محمد حسین مظفر برادر وی، و شیخ محمد علی مظفر، و شیخ محمدرضا مظفر. به همه حال، منسوب ایشان است.

۱۰۲. **کتابخانه شیبی** - منسوب به شاعر ادیب شیخ محمد جواد شیبی پدر شیخ محمدرضا شیبی.

۱۰۳. **کتابخانه آل جواهر** - منسوب به مفتی شیخ محمد حسن مؤلف جواهر است و در دودمانش موجود است.

۱۰۴. **کتابخانه شهرستانی** - منسوب به سید هبه‌الدین محمدعلی بن سید حسین عابد حسینی شهرستانی است که به بغداد منتقل شد.

۱۰۵. **کتابخانه حلی** - منسوب به فقیه شیخ عبدالحسین حلی است که فعلا در شمار قضات در بحرین است.

۱۰۶. **کتابخانه بلاغی** - منسوب به مفتی شیخ محمد جواد بلاغی است که در سال ۱۳۵۲ هجری در نجف درگذشته است.

۱۰۷. **کتابخانه آل صافی** - منسوب به دودمان آل صافی است. سید احمد صافی شاعر، از این دودمان است.

۱۰۸. **کتابخانه شرقی** - منسوب به شیخ علی بن جعفر شرقی که شاعر و از وکلا در مجلس بغداد بود.

۱۰۹. **کتابخانه شبر** - منسوب به سید علی شبر نجفی است که مدتی بیرون از نجف در بحرین یا کویت زندگی می‌کرد.

۱۱۰. **کتابخانه بغدادی** - منسوب به فقیه سید محمد بغدادی است که از شاگردان مرحوم نائینی بود.

۱۱۱. **کتابخانه بحر العلوم** - منسوب به سید علی بن هادی آل بحر العلوم است که از فقهای نجف بود.

این کتابخانه‌هایی بود که شخصا در نجف دیده بودم یا از معمرین شنیده یا در کتب نوشته بودند. علت آن که متعرض کمیات آنها نشدم، آن است که به طریق قطع و یقین نمی‌دانستم. این کتابخانه‌ها برای محصلین مخصوصا کسانی که به تألیف و تصنیف اشتغال دارند، بسیار یاری می‌کند و سودمند است.

مجلات و روزنامه‌های نجف

گویند نخستین بار که روزنامه در عراق پیدا شد، و در بغداد نشر آن دایر گردید، روزنامه‌ای بود به نام «زوراء» که به سال ۱۲۸۶ هجری به روزگار مدحت پاشا عثمانی به چاپ رسید. اما در نجف نیز مجلات و روزنامه‌هایی پدید آمد.

۱. نخستین مجله‌ای که در نجف نشر شد به عربی، مجله سید محمدعلی شهرستانی معروف به هبت الدین از شاگردان شیخ محمد کاظم خراسانی بود و آغازش از ربیع الاول ۱۳۲۸ هجری سالش دوازده ماه و نامش *مجله العلم، علمی و دینی*.

۲. *مجله درة النجف* مجله‌ای بود دینی، ادبی فارسی در هر ماهی در شصت و چهار صفحه چاپ می‌شد. محررش آقا محمد محلاتی مؤلف یار قلی فرزند شیخ اسماعیل محلاتی و صاحب امتیازش شیخ حسین اصفهانی بود و نخستین شماره آن سال ۱۳۲۹ هجری.

۳. *مجله غری، فارسی، محرّرش آقا محمد محلاتی و پدرش شیخ حسین اصفهانی بود.*

۴. روزنامه نجف، فارسی هفتگی، علمی و سیاسی و اجتماعی، هیئت تحریریه آن گروهی از ورزیده‌ترین افراد اهل علم و روشنفکر نجف بودند. مدیر مسؤؤلش سید مسلم آل زوبین بود و ابتدایش از سال ۱۳۲۸ هجری. [به گفته امینی: سید ابوالقاسم کاشانی، شیخ اسماعیل محلاتی، شیخ عبدالحسین رشتی و شیخ عبدالکریم شیرازی عضو هیئت تحریریه آن بودند].

۵. روزنامه استقلال عربی که بعداً به نام روزنامه فرات منتشر می‌شد و آغازش از سال ۱۳۲۸ هجری بود و در چاپخانه حیدری به چاپ می‌رسید و مدیر و محررش سید محمد بن سید عبدالحسین نامی بود. گویند این روزنامه را حکومت انگلیس برای آگاهی از ضمائر مردم نجف دایر کرده بود. [امینی در باره آن نوشته است: این نشریه زبان مردم انقلابی عراق بود و پس از چهار شماره تعطیل شد. معجم المطبوعات النجفیه: ۷۵]

۶. روزنامه نجف، عربی ادبی اجتماعی که از رمضان سال ۱۳۴۳ هجری منتشر شد و محرر و مدیر مسؤؤل آن یوسف رجب بود و مدیر اداره‌اش محمدعلی بلاغی، و در هفته یکبار منتشر می‌شد و در چاپخانه علوی به چاپ می‌رسید.

۷. مجله حیره عربی، علمی، ادبی، ماهانه. آغازش از ۲۴ رجب ۱۳۴۵ هجری بود و صاحب و مدیر و محررش شیخ عبدالمولی طریحی و آقا جعفر خلیلی بودند و در چاپخانه علوی به چاپ می‌رسید.

۸. روزنامه الفجر الصادق عربی وطنی، هر هفته یکبار در هشت صفحه به چاپ می‌رسید و محررش آقا جعفر خلیلی بود و نخستین بار از روز آدینه ششم شوال ۱۳۴۸ هجری آغاز شد و در چاپخانه علوی به چاپ رسید.

۹. مجله اعتدال عربی ماهانه، علمی، ادبی، اجتماعی. مدیر و محررش محمدعلی بلاغی، صاحب امتیازش سید احمد جمال الدین بود و آغازش از غره شوال ۱۳۵۱ هجری. در پنجاه صفحه به چاپ می‌رسید در چاپخانه علوی.

۱۰. روزنامه راعی عربی هفتگی در هر آدینه دوازده صفحه به چاپ می‌رسید. آغازش غره ربیع الثانی سال ۱۳۵۳ بود. رئیس و محرر و مدیر مسؤؤلش آقا جعفر خلیلی.
۱۱. مجله مصباح، عربی، علمی، ادبی، تاریخی، در هر ماهی یکبار منتشر می‌شد. نخستین باری که به چاپ رسید در هشتاد صفحه در غره رجب ۱۳۵۳ هجری بود. صاحب و مدیر مسؤؤلش محمدرضا حسانی بود.
۱۲. مجله غری، عربی، ماهانه، ادبی، اجتماعی، مدیر مسؤؤلش شیخ عبدالرضا بن عبدالحسین آل کاشف الغطاء. [امینی: دوماهانه، مطبعه الغری، ۱۳۵۸ق، انتشار ۱۷ سال].
۱۳. مجله شعاع. عربی، ماهانه، ادبی، اجتماعی، مدیر و مسؤؤلش شیخ هادی بن محمد جواد عصامی. [امینی: ۱۳۶۷ق انتشار ۲۹ شماره]
۱۴. مجله البیان عربی، ماهانه، ادبی، مدیر مسؤؤلش شیخ علی خاقانی از دودمان بیت خاقان. [امینی: مطبعه الغری، ۱۳۶۵ق، انتشار چهار سال].
۱۵. مجله المعارف، عربی، ادبی، اجتماعی، ماهانه، صاحب و محررش سید محمد حسن طالقانی. [امینی: ۱۳۷۸ق/۱۹۵۸، انتشار تا سال ۱۹۶۳]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی